

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ)

(خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که)



(أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ)

(گمراه کنم یا گمراه شوم)



(أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزِلَّ)

(بلغزانم یا لغزانده شوم)



(أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلِمَ)

(ظلم کنم یا به من ظلم شود)



(أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ)

(به جهل بکشانم،

یا به جهل کشیده شوم)

جلسه‌ی اول گفتاری پیرامون  
(تربیت توحیدی قرآن کریم)



سخن آغازین  
(ماه رمضان بهار قرآن  
کریم)

در کتاب شریف (الکافی ط - دارالحدیث، ج4، ص: 664)،  
در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است که:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:  
(لِكُلِّ شَيْءٍ رَبِيعٌ، وَ رَبِيعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ)

هر چیز بهاری دارد، و بهار قرآن (ماه رمضان) است.



در فصل بهار،

طبیعت بی جان و سرد، زنده و باطراوت می گردد،

چشمه ها جاری می گردد؛

زمین سرسبز شده و درختان شکوفه می دهند.



در بهار قرآن، **(ماه رمضان)** است که:

جانهای سرد و خشکیده در زمستان،

طراوت و سرسبزی یافته،

آماده ی بهره برداری از کتاب خدا می شوند.

امام سجاد عليه السلام

در دعای داخل شدن در (ماه رمضان)

به خداوند عرضه می‌دارند:

-----  
(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ... سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ)  
(لِنَسْلُكَهَا مِنْهُ إِلَى رِضْوَانِهِ)



(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ... سَبَّلَنَا فِي سُبُلِ إِحْسَانِهِ)

حمد از آن الله است،

همان که ما را در مسیرهای احسانش سیر داد.

(لِنَسْلُكَهَا بِمَنْتِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ)

تا با طی کردن این مسیرها،

(که از آن هم از منت اوست)،

به سوی رضوان (رضایت فراوان) او سیر کنیم.

(الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السُّبُلِ)  
(شَهْرَهُ شَهْرَ رَمَضَانَ،)

---

حمد از آنِ الله است، همان که:  
(ماه خویش، ماه رمضان) را یکی از این مسیرها،  
(مسیر سیر به سوی رضوان خود) قرار داد.



به این تعبیر توجه کنید!  
(شَهْرُهُ شَهْرَ رَمَضَانَ / ماه خویش، ماه رمضان)

---

مرحوم سید علیخان در  
(ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج6، ص: 20)  
درباره‌ی این تعبیر می‌فرماید:

(و إضافة الشهر إلى الضمير العائد إليه سبحانه،)  
(إمّا لتعظيمه)

---

اضافه کردن کلمه‌ی (شَهْر) به ضمیر (هُ)،  
که به خداوند سبحان برمی‌گردد،  
یا برای (عظیم شمردن ماه رمضان) است؛



(أو لمزيد الاختصاص المفهوم مما نطق به الحديث القدسي)  
(الذي رواه الخاصة و العامة):

یا برای افزودن اختصاص (ماه رمضان) به حق تعالی است؛  
اختصاصی که از حدیث قدسی نقل شده از شیعه و سنی فهمیده می‌شود،

-----  
إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ:

(إِنَّ الصَّوْمَ لِي، وَ أَنَا أُجْزِي (أُجْزِي) عَلَيْهِ)

الله تعالی می‌فرماید: روزه از آن من است،  
و من جزای آن را می‌دهم (من خودم پاداش آنم).

(شَهْرَ الصِّيَامِ، وَ شَهْرَ الْإِسْلَامِ، وَ شَهْرَ الطَّهْوَرِ)  
(وَ شَهْرَ التَّمْحِيصِ، وَ شَهْرَ الْقِيَامِ)

---

(ماه رمضان) ماه روزه،

ماه اسلام (یا ماه تسلیم در برابر اوامر الهی)  
ماه پاکیزگی، ماه خالص شدن از عیوب و آلودگی‌ها،  
و ماه شب زنده‌داری است.



# پایان بیان امام سجاد علیه السلام

بر اساس بیان امام باقر علیه السلام،  
(بهار قرآن ماه رمضان است).

این بیان نورانی بیانگر این مطلب است که:  
(ماه رمضان) ویژگی دارد که:  
موجب رونق دریافتهای قرآن می‌شود.  
ما از فرصت استثنایی این ماه مبارک بهره برده،  
و مبحث مهمی را تحت عنوان (تربیت توحیدی قرآن  
کریم)

به شما تقدیم می‌کنیم.



اما پیش از پرداختن به مبحث اصلی،  
بیانی را از امیرالمؤمنین علیه السلام در  
(توصیف قرآن کریم) به شما تقدیم می‌کنیم.

# توصیف قرآن

(در بیان امیرالمؤمنین علیه

السلام)



امیرالمؤمنین علیه السلام در بخشی از خطبه‌ی 176 نهج  
البلاغه در توصیف قرآن می‌فرمایند:

-----  
(وَاعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ، هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَخُشُّ)  
-----

بدانید این قرآن،  
پند دهنده‌ای است که هرگز کسی را نمی‌فریبد.

(وَ الْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ)

و هدایتگری است که هیچ‌گاه گمراه نمی‌سازد،

(وَ الْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ)

و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید.



(وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ)

(إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ)

هیچ کس در کنار این قرآن ننشسته جز این که:  
از کنار آن با زیاده یا نقصانی برخاسته است،

(زِيَادَةٌ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٍ مِنْ عَمِّي)

زیادتی در هدایت یا نقصانی از کور دلی.

(وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ)

و بدانید هیچ کس با داشتن قرآن، فقر و بیچارگی ندارد،



(وَ لَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى)

و هیچ کس بدون آن غنا و پنیازی نخواهد داشت.



(فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَائِكُمْ)

پس برای درمان بیماری‌های خود از قرآن شفا بطلبید،

(وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَىٰ لأْوَائِكُمْ)

و برای پیروزی بر شدايد و مشکلات از آن یاری بجوید.

(لأوی) از ماده (لأی) (بر وزن سعی) به معنای تنگی و شدت و محنت و ناراحتی و سختی طاقت فرسا گرفته شده است.

(فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ)

چرا که در قرآن شفای سخت‌ترین بیماری‌ها،

(وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الْعَيْ وَ الضَّلَالُ)

یعنی کفر و نفاق و جهل و گمراهی است.

(غی) به معنای کار جاهلانه و یا به تعبیر راغب در مفردات به معنای جهل و نادانی است که از اعتقاد فاسد سرچشمه می‌گیرد.  
(التحقیق): أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ مَا يُقَابِلُ الرَّشِدَ، وَ الرَّشِدُ هُوَ الدَّلَالَةُ إِلَى الْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، فَيَكُونُ الْغَى هُوَ الْهُدَايَةَ إِلَى شَرٍّ وَ فُسَادٍ.



(فَاسْأَلُوا اللَّهَ بِهِ وَتَوَجَّهُوا إِلَيْهِ بِحُبِّهِ)

(حاجاتتان) به وسیله قرآن از خدا بخواهید؛  
و با محبت قرآن به سوی خدا روی آورید؛

(وَ لَا تَسْأَلُوا بِهِ خَلْقَهُ إِنَّهُ مَا تَوَجَّهَ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِثْلِهِ)

و هرگز به وسیله آن از مخلوقات او چیزی نخواهید؛  
زیرا بندگان به چیزی مانند آن به خدا تقرّب نجسته‌اند.

جمله‌ی (وَلَا تَسْأَلُوا بِهٖ خَلْقَهُ) اشاره به این است که:

قرآن را وسیله خودنمایی و جلب توجه مردم،  
و رسیدن به مقاصد دنیوی قرار ندهید؛

آن گونه که در (الکافی (ط - دارالحدیث)، ج 4، ص: 614)  
از امام صادق علیه السلام روایت شده است که:  
(قاریان قرآن سه دسته‌اند)



(وَإِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيُقَالَلْ فَلَانٌ قَارِئٌ)

گروهی از مردم قرآن می‌خوانند تا (دیگران) بگویند:  
فلان کس قاری قرآن است.

(وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيَطْلُبَ بِهِ الدُّنْيَا وَ لَا خَيْرَ فِي ذَلِكَ)

و گروهی قرآن می‌خوانند تا:  
به وسیله آن به منافع دنیوی برسند؛  
و در هیچ‌یک از این‌ها خیری نیست.

(وَمِنْهُمْ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ)  
(لِيَنْتَفِعَ بِهِ فِي صَلَاتِهِ وَ لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ)

---

و گروهی دیگر قرآن می‌خوانند تا:  
در نمازها و شب و روزشان از آن بهره گیرند.



ادامه‌ی بیان امیرالمؤمنین علیه السلام در  
(توصیف قرآن کریم)

(وَاعْلَمُوا أَنَّهُ شَافِعٌ مُّشَفَّعٌ وَ قَائِلٌ مُّصَدِّقٌ)

---

بدانید قرآن، شفاعت کننده‌ای است که:  
شفاعتش مورد قبول است،  
و گوینده‌ای است که سخنش تصدیق شده است.



(وَ أَنَّهُ مَن شَفَعَ لَهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شُفِعَ فِيهِ)

و هرکس که قرآن در روز قیامت برای او شفاعت کند،  
مشمول شفاعت می‌شود.

(وَ مَن مَحَلَّ بِهِ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صُدِّقَ عَلَيْهِ)

و آن‌کس که قرآن در قیامت از وی شکایت کند،  
گواهی‌اش بر ضد او پذیرفته خواهد شد.

(فَإِنَّهُ يُنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)  
(أَلَا إِنَّ كُلَّ حَارِثٍ مُبْتَلَىٰ فِي حَرْثِهِ وَ عَاقِبَةِ عَمَلِهِ غَيْرَ حَرْثَةِ الْقُرْآنِ)

روز قیامت، منادی صدا می‌زند: آگاه باشید!  
امروز هرکس گرفتار بذری که افشاند و در گرو عاقبت اعمال  
خویش است؛ جز آنان که بذر قرآن افشاندند.

-----  
(فَكُونُوا مِنْ حَرْثِهِ وَ أَتْبَاعِهِ)

پس شما هم از بذر افشانان قرآن و پیروان آن باشید.



(وَ اسْتَدِلُّوهُ عَلَى رَبِّكُمْ وَ اسْتَنْصِحُوهُ عَلَى أَنْفُسِكُمْ)

پروردگارتان را با قرآن بشناسید،  
و خویشان را با آن اندرز دهید.

---

(وَ اتَّهَمُوا عَلَيْهِ آرَاءَكُمْ وَ اسْتَخِشُوا فِيهِ أَهْوَاءَكُمْ)

(و هرگاه نظر شما بر خلاف قرآن بود)  
در برابر قرآن، آرای خود را متهم کنید،  
و خواسته‌های خویش را در برابر آن نادرست بشمارید.

پایان جلسه ی اول گفتاری پیرامون  
(تربیت توحیدی قرآن کریم)